

هندسه مدیریت در فرهنگ و تمدن شیعه (با استفاده از راست‌مغزی و چپ‌مغزی)

دکتر عماد افروغ

استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

دکتر علی نوری مطلق

دانش آموخته‌ی دکتری مدیریت فرهنگی
دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات



چکیده

این پژوهش سعی دارد با استفاده از الگوهای رفتاری راست‌مغزی و چپ‌مغزی، به بررسی هندسه‌ی مدیریتی جوامع شیعه و شناخت مؤلفه‌ها و نحوه ارتباط و تعامل میان عناصر مدیریتی موجود در فرهنگ و تمدن شیعه به عنوان یک سیستم پردازد. پژوهشگر با استفاده از روش مدل‌سازی ریاضی به ارائه هندسه مدیریتی موجود در فرهنگ و تمدن شیعه و شناسایی روند همگرایی و نقطه تعادل اساسی سیستم پرداخته است. این پژوهش یک پژوهش بنیادی محسوب شده و به روش موردی-زمینه‌ای انجام گرفته است. پژوهش حاضر با استفاده از یک پرسشنامه‌ی باز و یک پرسشنامه‌ی بسته، نظرات ۱۵ نفر از اساتید و خبرگان رشته‌های مختلف حوزه و دانشگاه مختلف را جمع‌آوری نموده و پس از تجزیه و تحلیل، فرضیه‌ها را اثبات و به ارائه یک الگوی مدیریتی پرداخته است.

واژگان کلیدی

راست مغزی- چپ‌مغزی، هندسه‌ی مدیریت، فرهنگ و تمدن، تشیع.

بیان مسئله

فرهنگها و تمدنها هویت‌های معنوی و مادی جوامع انسانی را بیان می‌کنند. هرگاه بخواهیم جمعیتی را که دارای هویت تاریخی قابل مطالعه است، شناسایی کنیم به سه عنصر مهم فرهنگی و تمدنی آن توجه می‌کنیم: آنچه در سابقه تاریخی وجود دارد، شرایطی که اکنون با آن زندگی می‌کند، آینده‌ای که برای خود در نظر گرفته است. شیعه با عمری حدود ۱۴۰۰ سال به عنوان جمعیتی اثر گذار با ویژگیهای عام و خاص و مجموعه‌ای قابل مطالعه در سه مقوله بالاست؛ اما مشاهده می‌شود که متاسفانه از سویی عناصر و ویژگی‌های فرهنگی و تمدنی آن تاکنون به طور مشخص و با این عنوان مورد مطالعه و شناسایی قرار نگرفته و از سوی دیگر علیرغم مطالعات مدیریتی به هندسه و روابط فیما بین عناصر مدیریت، فرهنگ و تمدن آن به گونه‌ای که بتواند به عنوان یک دستگاه سیستماتیک و مدون و با تکیه بر عناصر و روابط موجود در خود سیستم، پایه‌ای برای حل مشکلات و طراحی‌های مهندسی اجتماعی، فرهنگی و مدیریتی باشد، پرداخته نشده است. «مانمی‌توانیم در مورد مهندسی فرهنگی صحبت کنیم بدون اینکه راجع به دین صحبت کنیم، دین در رأس همه عوامل قرار می‌گیرد. هیچ کجای دنیا و در هیچ مقطع تاریخی شما نمی‌توانید راجع به فرهنگ صحبت کنید، بدون اینکه راجع به دین حتی در دنیای بی‌دینی صحبت کنید. بنابراین دین و مذهب اسلام، بویژه شیعه باید نقطه اول مهندسی ما در فرهنگ باشد.» (مولانا ۱۳۸۵، ۲۳) پس مسئله پژوهش حاضر عبارت است از: شناختن عناصر فرهنگی، تمدنی و مدیریتی شیعه و یافتن هندسه روابط بین آنها. بر این اساس سوالات پژوهش عبارتند از:

۱) عناصر تمدنی، فرهنگی و مدیریتی شیعه کدامند؟

۲) بر اساس قاعده راست‌مغزی - چپ‌مغزی، چه روابطی بین عناصر تشکیل دهنده هندسه مدیریتی در فرهنگ و تمدن شیعه وجود دارد؟

فرضیه‌ها

فرضیه نخست: عناصر تمدنی شیعه دولت‌ها، محصولات ادبی و هنری، مدارس و دانشگاه‌ها، حوزه‌های علمی، عناصر فرهنگی آن معارف، عاشورا، دعا و انتظار و عناصر مدیریتی آن ولایت (فقیه)، عدالت، عصمت، امر به معروف و نهی از منکر (جهاد) و تقیه می‌باشند.

فرضیه دوم: روابط بین عناصر تشکیل دهنده هندسه مدیریتی فرهنگ و تمدن شیعه بر اساس دستگاه سه بعدی که ابعاد آن چپ‌مغزی، راست‌مغزی و روح الهی (فطرت)، نتایج آن تمدن، فرهنگ و دین و شاخص‌های آن کمیت، کیفیت و وحی می‌باشند، تبیین و مدل‌سازی می‌شود.

فایده و هدف پژوهش

هدف کلی این پژوهش عبارت از «شناخت مؤلفه‌ها و نحوه ارتباط و تعامل میان عناصر مدیریتی موجود در فرهنگ و تمدن شیعه به عنوان یک سیستم، مدل‌سازی ریاضی برای نشان دادن هندسه موجود در آن و شناسایی روند همگرایی و نقطه تعادل اساسی سیستم» می‌باشد. این پژوهش علاوه بر هدف فوق اهداف ذیل را نیز دنبال می‌کند:

- ۱) شناخت ویژگیهای فرهنگی و تمدنی شیعه
- ۲) شناخت عناصر مدیریتی این فرهنگ و تمدن
- ۳) تبیین ارتباط و تعامل میان مؤلفه‌های مدیریتی موجود در این فرهنگ و تمدن با استفاده از خصوصیات راست‌مغزی و چپ‌مغزی.

مروری بر ادبیات پژوهش

راست مغزی - چپ مغزی^۱

بیشتر ما به طور معمول در فرآیندهای ذهنی، از یک نیمکره مغز استفاده بیشتری می‌بریم. نیمکره چپ به فرآیندهای اطلاعات عددی و کلامی که نتایج آنها در حالت‌های خطی و دستوری کاربرد دارند، تخصص داده شده است. این قسمت از مغز، فعالیت‌های ذهنی، منطقی عقلانی و تحلیل‌گرانه را انجام می‌دهد و توانایی طبقه‌بندی و تجزیه و تحلیل اطلاعات را دارا است. نیمکره راست مبتکر، خلاق و نوآور بوده، قسمت‌های غیرذهنی مغز ما را فعال می‌کند. این قسمت پیرامون اشکال سه بعدی و تصاویر به بحث پرداخته و توانایی فهم ترکیبات پیچیده و ساختارهای در هم پیوسته را داراست. نیمکره‌های مغز همچنین به بخش‌های جلویی و عقبی تقسیم می‌شوند. افرادی که دارای خصوصیت چپ‌مغزی قوی‌تری هستند و با قسمت‌های جلویی مغز خود می‌اندیشند، مشکلات را با استفاده از تفکر منطقی تحلیل‌گر، عقلانی، هدفمند و نقاد حل می‌کنند. اشخاصی که از قسمت عقبی نیمکره چپ‌مغز استفاده می‌کنند با دیدگاه عملی، متأثرانه، نگرش‌های قطعی و واقع‌گرا، تفکر سازمان‌دهنده و اندیشه‌های جزء گرایانه از دیگران جدا می‌شوند. افراد راست‌مغزی که بیشتر با قسمت جلوی مغز خود تفکر می‌کنند با تصورات و تخیلات، ابداع و نوآوری، خلاقیت، هنرمندی و روش‌های دیداری مشخص می‌شوند. راست مغزهایی که با قسمت عقبی مغز خود تفکر می‌کنند. در مشارکت، پشتیبانی، همکاری، درونگرایی، جمع‌پذیری، اندیشه‌های کیفی و عاطفی توانا هستند. بسیار حساس و باذوق بوده. (نوری مطلق ۱۳۸۵، ۳۱)

رهبری کاریزماتیک

کاریزما، در اصطلاح به خصوصیت کسی گفته می‌شود که دارای قدرت رهبری فوق‌العاده است.

رهبری کاریزماتیک یا رهبری مبتنی بر جاذبه استثنایی، به گونه‌ای از رهبری گفته می‌شود که دارای قدرت و توانایی الهام‌بخشی به پیروان باشد و این در حالی است که توانایی‌ها صرفاً از نیروی شخصیت و تعهد فرد سرچشمه گرفته باشد. در این نوع رهبری، رابطه‌ای بدون استفاده از پاداش‌های مالی و اعمال زور برقرار می‌شود. رهبر کاریزماتیک، وضعیت حاضر را به عنوان وضعیتی منفی و طاقت‌فرسا و اهداف آینده را به عنوان جایگزینی جذاب‌تر و قابل حصول توصیف می‌کند. (رضائیان ۱۳۷۹، ۱۵۳)

مدیریت بر مبنای انتظار (MBE)^۲

مدیریت بر مبنای انتظارات، به جای تاکید بر عناصر عقلایی و عینی مدیریت، بر عنصر انسانی (خصوصیات راست‌مغزی) تکیه می‌کند نگرش مدیریت مبتنی بر انتظارات، مدیر را تشویق می‌کند تا امر هدایت و رهبری را بر اساس انتظارات به انجام رساند. بسیاری از مطالعات نشان می‌دهد که افراد در صورتی که توانایی‌ها و موفقیت‌های خود را باور کنند، به عظمت و بزرگی دست می‌یابند. این افراد بدون توانایی یا استعدادی خاص، می‌توانند با تصویر کردن و باور داشتن وضع مطلوب امور یا چیزها، آن امور را محقق سازند.

پیشگویی خود شکوفا

«اگر افراد موقعیت‌ها را به طور حقیقی تعریف کنند، موقعیت‌ها نیز در پی آمده‌هایشان حقیقی و واقعی خواهند بود». پیشگویی خودشکوفا فرآیندی پویاست که متضمن سیکل مستمر اقدامات و تعاملات فیمابین رهبر و زیردست (عضو سازمانی) می‌باشد. این فرآیند بر اساس انتظارات خاصی است که در ذهن رهبر یا عضو سازمانی به وجود می‌آید. این انتظار می‌تواند بر اساس شواهد واقعی، شایعات، یا انحرافات ادراکی،

علم اعتقاد هنر و قانون اخلاقی، رسوم و عدالت و هرگونه توانایی‌های دیگری را که انسان به عنوان فردی اجتماعی به دست آورده در بر می‌گیرد. تاریخ تمدن هر قوم و ملتی عبارت از کوشش‌ها و خلاقیت‌هایی است که افراد آن قوم یا ملت در طول تاریخ حیات جمعی و برای پیشبرد برخی اهداف جمعی به کار برده‌اند. می‌توان فرهنگ را به «کلیت هم‌تافته باورها، ارزشها، آرمانها، دانش‌ها، دانش‌ها، هنرها، فنون، آداب و فعالیتهای اجتماعی به عنوان بخش ذهنی فرهنگ؛ و تمدن به عنوان بخش عینی آن» تعریف کرد. (کرامبی و دیگران ۱۳۷۰، ۱۰۱) بنابراین اگر فرهنگ را یک سیستم بدانیم؛ مهندسی فرهنگ، مهندسی سیستم فرهنگ است. از آنجا که «کلیت هم‌تافته باورها، ارزشها، آرمانها، دانش‌ها، هنرها، فنون، آداب و فعالیتهای اجتماعی به عنوان بخش ذهنی فرهنگ؛ و تمدن به عنوان بخش عینی آن» شناخته شد و خروجیهای ذهنی مغز مربوط به نیمکره راست و خروجیهای عینی آن مربوط به نیمکره چپ می‌باشد، می‌توان دستاورد نیمکره راست مغز را فرهنگ، دستاورد نیمکره چپ آن را تمدن، در نتیجه حاصل فعالیت جوامع چپ‌مغز را بیشتر تمدنی و فرهنگ آنها را برآمده از تمدن و حاصل فعالیت جوامع راست مغز را بیشتر فرهنگی و تمدن آنها را برآمده از فرهنگشان دانست.

فرهنگ و تمدن اسلامی

اسلام در ابتدا در شبه جزیره عربستان متولد شد. سیزده سال اول آن بیشتر به تحرکات فرهنگی گذشت و سپس با هجرت تاریخی پیامبر اکرم (ص) به شهر مدینه، مدنیّت آن آغاز گردید. «در قرن اول، پس از ظهور آن، در نظر مردمی که در معرض شمشیر اسلامیان قرار داشتند این دین نوین مانند آتشی بلند بود که از مرکز آن فروزان شده، زبانه آن با سرعتی شگفت، انبساط می‌یافت و پیش از آن که به خود آیند و بدانند

مانند «تفکر قالبی و تعصب» ایجاد شود. سپس انتظارات رهبر به اشکال مختلف (شفاهی یا غیر شفاهی، آگاهانه یا ناخودآگاه) با زیر دست مبادله یا منتقل خواهد شد. فرد زیر دست این پیام‌ها را دریافت می‌کند و پس از آن انتظارات خود را با انتظارات رهبر هماهنگ می‌نماید. زیردست با مسلح شدن به خود آگاهی جدید از توانایی، برانگیخته می‌شود تا آن انتظارات را بنمایاند و سرانجام فعالیت‌هایی را به انجام رساند که با انتظارات رهبر سازگاری و هماهنگی داشته باشد. (منوریان ۱۳۷۹)

هندسه مدیریت

واژه هندسه^۳ از زبان یونانی ریشه گرفته و از دو کلمه «جنو به معنای زمین» و «متری به معنای اندازه‌گیری» تشکیل شده است. بنابراین، معنای واژگانی هندسه اندازه‌گیری زمین است. هندسه مطالعه انواع مختلف اشکال و خصوصیات و ارتباط میان اشکال، زوایا و فواصل است. علمی است که ابزارهایی خاص را در اختیار هنرمند قرار می‌دهد تا احساسات، عواطف و تفکرات خود را به وسیله آن به سایرین منتقل نماید. در اصل پایه هندسه را مباحث عینی تشکیل می‌دهد و بر پایه قرارداد نیست. هندسه معرب همان اندازه در فارسی است و مهندس به معنای اندازه‌گیرنده، تقدیر کننده، محاسب، شماره‌دار و... می‌باشد (دهخدا ۱۳۷۳)

این واژه در واقع از همان «هندسه» که معرب «اندازه» (تهانوی ۱۹۸۸) می‌باشد گرفته شده است. اگر واژه مهندسی را به «برقراری ارتباط و تعامل میان مؤلفه‌های یک سیستم با هدف ایجاد رفتار مطلوب» تعریف کنیم؛ هندسه مدیریت «شناخت ارتباط و تعامل میان مؤلفه‌های مدیریتی یک سیستم» خواهد بود.

فرهنگ و تمدن

فرهنگ و تمدن اگر به معنای وسیع کلمه در نظر گرفته شود، می‌توان گفت مجموعه‌ی مرکبی است که

می‌گرفتند، چندان توفیقی به بار نیاورد. فرزندان کسانی که مسلمانان عرب آنان را موالی می‌خواندند، به سرعت به طبقه‌ای بدل گشتند که خصوصیات عمده آن از دیدگاه فرهنگی در مرکز و شرق دستگاه خلافت سیطره بر سازمان اداری خلیفگان بود که در واقع ایجاد کنندگان آن به شمار می‌رفتند و از دیدگاه سیاسی در شرق و غرب جهان اسلام در ضدیت با خلافت عربی جلوه‌گر شد و به کوشش‌های استقلال‌طلبانه و تشکیل دولت‌های مستقل و نیمه‌مستقل در سراسر قلمرو خلافت انجامید. دولت‌هایی چون صفاریان و سامانیان در ایران، بریدیان و حمدانیان در بین‌النهرین، طولونیان در مصر، رستمیان و ادیسیان در آفریقا نماینده نخستین جنبش‌های استقلال‌طلب در جهان اسلام بودند و واسطه‌ای شدند برای چیرگی روزافزون اقوام مسلمان غیر عرب و تأسیس دولت‌های نیرومند ایرانی و ترک و بربر که بر خلفا نیز سیطره تمام داشتند و تنها سلطنت اسمی آنها را به رسمیت می‌شناختند.» (لین پل و دیگران ۱۳۶۳، ۲:۲) این ساخت سیاسی با تقسیم حکومت بزرگ اسلامی به حکومت‌های کوچک‌تر با خصوصیات مذهبی و فرقه‌ای متفاوت و با مشترک دچار از هم پاشیدگی شد و در شرایط فعلی هرگوشه از این تمدن ساخت سیاسی و اجتماعی راه خود را در پیش گرفته است. این ساخت‌ها از جمهوری تا سلطنتی و از آزادی تا استبداد کامل را در بر می‌گیرد.

تشیع

شیعه در لغت به معنای پیروان و یاران است و بر مفرد، تثنیه و جمع و نیز بر مذکر و مؤنث به‌طور یکسان اطلاق می‌شود (فیروزآبادی ۱۹۱۳، ۴۹) در اصطلاح شیعه به پیروان علی(ع) گفته می‌شود که معتقد به امامت و خلافت بلافصل او از طریق «نصب» و «نص» پیامبر اکرم (ص) هستند. شیعه به همان معنای مذکور در زمان پیامبر(ص) نیز مطرح بوده و تعبیر

که چه باید کرد آنها را فرا می‌گرفت... سیل روزافزون آن به طرف شرق و جنوب همچنان پیش می‌رفت تا این که عاقبت نیروی فعال آن در اعماق آسیا و به طرف آفریقا یعنی صد هزار مایل دورتر از مرکز اصلی و زادگاه ابتدایی آن فرو نشست. لیکن همان‌قدر که صلابت و شدت ظاهری آن، مخالفین مقاوم را به وحشت انداخته بود، سادگی و روشنی آن کسان دیگر را مفتون ساخت و به قبول آن سر تسلیم فرود آوردند» (بی‌ناس ۱۳۷۵، ۷۰۵) در طول این یک قرن اسلام دو امپراطوری بزرگ جهان آن روز یعنی ایران و روم را شکست داده و مراکز اصلی تمدن را تحت سیطره و یا تأثیر خویش گرفت و سپس در طی دو قرن دیگر به بزرگترین حکومتی که تا آن تاریخ بشر به خود دیده بود بدل گردید. «ارتباط بازرگانی میان سمرقند و بلخ از یک سو تا قرطبه و طلیطله در اروپا و مراکش و الجزایر و تونس در آفریقا برقرار شد. مهمترین شاهراه تجاری آن زمان میان شرق و غرب یعنی جاده ابریشم از میان این سرزمین می‌گذشت و برای سال‌های طولانی این منطقه جغرافیایی وسیع، زادگاه علم، هنر، فلسفه و معرفت بود» (ولایتی ۱۳۸۴، ۲۳) و این همه مقارن با زمانی بود که اروپا و کشورهای مسیحی در سیاه‌ترین دوران تمدن و فرهنگ خویش گرفتار بودند. سپس با یورش مغول بزرگترین ضربه بر پیکره جغرافیایی و تاریخی این مدنیت فرود آمد و ضعف و فتور و سستی آن را در خود فروبرد. در عوض جوامعی که به واسطه دستاوردهای این تمدن به فن‌آوری و مدنیته بالا دست یافته‌اند بر آن مسلط شدند. از لحاظ سیاسی نیز اولین دولت اسلامی نتوانست یکپارچگی سیاسی خود را برای مدت طولانی حفظ نماید. «ترویج و دفاع از فکر قومیت عربی به منزله عامل وحدت سیاسی در برابر گستره اقوامی که با فرهنگ‌ها و سوابق فکری متفاوت به دین اسلام می‌گرویدند، برای عرب‌هایی که این دین را به عنوان وسیله‌ای برای سلطه و سیطره در نظر

«شیعه علی» بارها در سخنان آن حضرت به کار رفته است. وضعیت شیعه در زمان‌های مختلف به یک صورت نبوده اما عنصر اساسی برای تشیع که اعتقاد به امامت علی(ع) از طریق نص است از ابتدای اسلام و در همه دوره‌ها در میان شیعه دیده می‌شود. اولین دوره حیات شیعه در زمان حیات رسول خدا (ص) بوده است. (نویختی ۱۳۶۱، ۱۸) مفهوم تشیع توسط خود پیامبر(ص) مطرح شده و ایشان با عناوین مختلف آن را وارد حوزه تفکر اسلامی کرده و پرورش دادند. مرحله دوم حیات شیعه، بعد از رحلت پیامبر(ص) شروع می‌شود. (مسعودی ۱۳۴۴، ۱۴۶) در این دوره تشیع نسبت به دوره قبل فعلیت بیشتری پیدا کرد زیرا در مرحله اول، شیعه تنها به امامت علی(ع) پس از پیامبر(ص) اعتقاد داشتند؛ اما بعد از رحلت رسول خدا (ص) علی(ع) امام و پیشوای شیعیان بود و آنها با راهنمایی‌های او در امور سیاسی و اجتماعی و جنگ‌ها مشارکت می‌کردند و از ایشان در تفسیر و عقاید و احکام فقهی استفاده و پیروی می‌کردند. دوره سوم حیات شیعه بعد از قتل عثمان و به خلافت رسیدن امام علی(ع) شروع می‌شود. در این زمان امامت آن حضرت ظهور و بروز بیشتری پیدا نمود و در نتیجه شیعه نیز در حاکمیت سیاسی نقش بیشتری پیدا کرد. پس از شهادت امام علی و صلح امام حسن(ع) دوره حیات شیعه در عصر امویان فرا می‌رسد که سخت‌ترین مرحله برای شیعیان بود. در این دوره به دستور بنی‌امیه خطیبان به امام شیعیان حضرت علی(ع) دشنام می‌دادند و شیعیان در این دوره متحمل آزار و شکنجه و قتل و غارت شدند. در همین دوره قیام حسین بن علی(ع) در سال ۶۱ (هـ.ق) بر علیه یزید بن معاویه رخ می‌دهد و فرزند گرامی دختر پیامبر(ص) به همراه تعدادی از شیعیان خاص خویش به شهادت می‌رسند. بعد از این واقعه قیام‌هایی برای خونخواهی او و یارانش رخ داد که از همه مهمتر قیام توابع در سال ۶۴ (هـ.ق) و قیام مختار

در سال ۶۶ (هـ.ق) بود و اولین اختلاف و انشعاب در شیعه از همین زمان پیدا شد. به پیروان مختار و این اعتقاد کیسانیه می‌گویند. جریان دیگر قیام زید فرزند امام سجاده(ع) بر ضد بنی‌امیه بود. او بر علیه هشام بن عبدالملک حاکم اموی قیام کرد و به شهادت رسید. پیروانی از زید که او را به امامت قبول داشتند و عقاید خاصی داشتند، به زیدیه مشهور شدند. سومین انشعاب در زمان امام صادق(ع) روی داده است. گروهی اسماعیل فرزند بزرگ امام صادق(ع) و برادر امام موسی کاظم(ع) را به عنوان امام هفتم پذیرفتند و به تدریج عقاید خاصی را مطرح کردند که به اسماعیلیه معروف شدند (برنجکار ۱۳۷۹، ۵۶). در اواخر حکومت امویان و اوایل حکومت عباسیان که مدتی از امامت امام باقر(ع) و امام صادق(ع) را شامل می‌شود، به دلیل ضعف این دو حکومت فشار بر امامان و شیعیان کمتر شد و این دو امام(ع) در این فرصت بدست آمده معارف بلند و احکام شیعه را تبلیغ نمودند. اما دوباره بعد از قدرت‌یابی عباسیان فشار بر شیعیان شروع شد. پس از مدتی از شروع غیبت کبری، حدود اوایل قرن چهارم تا اواخر قرن پنجم (ه.ق) که خاندان آل‌بویه در دستگاه عباسی نفوذ کردند و دارای مناصب مهم در حکومت شدند، شیعیان آزادی بیشتری در عمل و بیان عقاید و نظرات خود پیدا کردند. (زرین کوب ۱۳۸۲، ۵۲۰:۲) مذهب تشیع در مناطقی مانند سوریه به علت حکومت شیعی مذهب حمدانیان و در مصر به علت حکومت شیعه مذهب فاطمیون گسترش زیادی پیدا کرد. اما بعد از این دوران دوباره سخت‌گیری و فشار و کشتار شیعیان و نابود کردن آثار و کتب آنان با روی کار آمدن حکومت ابویان در مصر و شام و سلجوقیان در ایران در قرن شش آغاز شد. پس از روی کار آمدن حکومت مغول و سقوط حکومت عباسی مذهب تشیع مجدداً رواج پیدا کرد. بعد از دوران حکومت ایلخانان و ترکمانان، شاه اسماعیل صفوی بر ایران و بخشی از

تمدن‌های مختلف به نحوی موجودند، اما با وجود اشتراک در موارد کلی، هر فرهنگ و تمدن این عناصر را با خصوصیات برای خود ویژه کرده و هویت خود را براساس آن شکل داده است.

روش پژوهش

این پژوهش از حیث هدف یک پژوهش ترکیبی است زیرا از آنجایی که به حوزه مفاهیم پرداخته، بنیادی، به علت توجه به روابط بین اجزاء یک سیستم و کاربرد آنها کاربردی، و با توجه به تغییری که در یک دیدگاه و پارادایم ایجاد می‌کند از نوع توسعه‌ای است. روش پژوهش در این پایان‌نامه نیز به علت آنکه تصویری جامع و گسترده در موردی ویژه ارائه می‌کند و پژوهشگر تمام مواردی را که در زمینه‌ای خاص مطرح است، مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد، موردی و زمینه‌ای است.

مراحل پژوهش

۱) مبانی نظری بحث ارائه و در این زمینه مواردی از قبیل: راست مغزی - چپ مغزی، رهبری کاریزماتیک، مدیریت بر مبنای انتظارات، مدیریت علوی، و مفاهیم فرهنگ و تمدن مورد توجه قرار گرفتند.

۲) با مطالعه کتابخانه‌ای، فرهنگ و تمدن شیعه شناسایی و عناصر اصلی آن بر مبنای راست مغزی و چپ مغزی طبقه بندی و تفکیک گردید. این عناصر شامل: عناصر تمدنی، عناصر فرهنگی و عناصر مدیریتی می‌شدند.

۳) مدل ریاضی مسئله طراحی و در آن با توجه به ویژگیهای این فرهنگ و تمدن، سه بعد: چپ مغزی (محور X) - راست مغزی (محور Y) و فطرت یا همان روح الهی (محور Z) و شاخصهای آنها به ترتیب: کمیت، کیفیت و وحی و سرانجام خروجی هر بعد به ترتیب: تمدن، فرهنگ و دین (مذهب) مشخص گردید.

عراق مسلط شد. او مذهب رسمی را شیعه اعلام کرد و در گسترش آن بسیار کوشش نمود. دانشمندان ناموری چون میرداماد، شیخ بهائی، ملاصدرا، فیض کاشانی و علامه مجلسی در زمان همین سلسله بوده‌اند. (جعفریان ۱۳۷۸، ۲۴۰) اما در همین زمان بر سایر سرزمین‌های اسلامی دولت عثمانی تسلط داشت و فشار زیادی بر شیعیان وارد آوردند. سپس با تشکیل نهاد مرجعیت به صورت متمرکز و سازمان یافته، شیعه توانست خود را به عنوان عنصری تاثیر گذار مطرح و با پیروزی انقلاب اسلامی ایران بر اساس عناصر شیعی، جایگاهی محکم و قابل قبول در عرصه بین المللی بدست آورد.

هندسه مدیریت در فرهنگ و تمدن شیعه

چون واژه مهندسی را به «برقراری ارتباط و تعامل میان مؤلفه‌های یک سیستم با هدف ایجاد رفتار مطلوب» (حبیبی ۱۳۷۵، ۵) و هندسه مدیریت را «ارتباط و تعامل میان مؤلفه‌های مدیریتی یک سیستم» تعریف کردیم، پس «هندسه مدیریت در فرهنگ و تمدن شیعه»، «شناخت ارتباط و تعامل میان مؤلفه‌های مدیریتی موجود در فرهنگ و تمدن شیعه به عنوان یک سیستم و بیان آن به زبان ریاضی» می‌باشد. به این ترتیب ما باید در طی مراحل این پژوهش ابتدا ویژگی‌های فرهنگی و تمدنی شیعه را شناسایی، سپس عناصر مدیریتی آن را با استفاده از خصوصیات راست مغزی و چپ مغزی مشخص و روابط فیما بین این مجموعه را به عنوان یک سیستم و تا حد امکان به زبان ریاضی بیان کنیم. این مطالعه چون در حوزه فرهنگ و تمدن انجام می‌شود، ویژگی‌های موجود در باورها، ارزش‌ها، آرمان‌ها، دانش‌ها، هنرها، فنون، آداب و فعالیت‌های اجتماعی را در حوزه فرهنگ و دولتها، معماری و دستاوردهای عینی هنری، مدارس، دانشگاهها و حوزه‌های علمیه را در حوزه تمدن شامل می‌شود. تمامی این عناصر در بین فرهنگ‌ها و

- ۴) نقطه تعادل سیستمی، روند همگرایی و متغیرهای مستقل و وابسته برای جوامع شیعی در طراحی مدل ایدآل مشخص و بر این اساس نمودار پیشینه، حال و آینده این فرهنگ و تمدن ارائه شد.
- ۵) مدل استراتژیک حکومت اسلامی در فرهنگ و تمدن شیعه، با عنوان «استراتژی عدل نوین جهانی» برای آینده جمهوری اسلامی ایران پیشنهاد شد.
- ابزار گردآوری اطلاعات**
- در مرحله تحقیق کتابخانه‌ای، فیش برداری و تهیه جدول و در مرحله اعتبارسنجی مدل (مراجعه به خبره) پرسشنامه بوده است. از آنجا که برای آزمون مدل امکان اجرا وجود نداشت روش مراجعه به خبره مورد استفاده قرار گرفت و به علت میان رشته‌ای بودن پژوهش، از اساتید رشته‌های مختلف مرتبط با مبحث که در این زمینه صاحب تحقیق و نظر بودند تعداد ۱۵ نفر به طور تصادفی انتخاب و نظرات آنان در پرسشنامه‌ای خواسته شد. سعی بر آن بود که به طور نسبتاً مساوی از اساتید حوزه و دانشگاه برای بدست آوردن مجموعی از دیدگاه‌های معرفت دینی و علوم دانشگاهی در این زمینه استفاده شود. همچنین از اساتیدی استفاده شد که با وجود داشتن تخصص در یک زمینه از تخصص یا حداقل دانش و بینش کافی در مقوله دیگر برخوردار باشند. در پرسشنامه ارائه شده نظر پاسخگویان در دو زمینه اصلی: ۱) دستاوردهای پژوهش ۲) کل فرایند پژوهش خواسته شد. بر این اساس دو نوع سوال طراحی شد که در نوع اول براساس نمودارهای ارائه شده، اجزاء مدل مطرح و بر مبنای طیف لیکرت در هر سوال ۵ گزینه: خیلی خوب، خوب، متوسط، ضعیف، خیلی ضعیف ارائه و فرض‌های ذیل در ۱۹ سوال مورد نظرسنجی قرار گرفتند:
- ۱) طبقه بندی مدل بر اساس راست‌مغزی و چپ‌مغزی؛
- ۲) عناصر فرهنگی شیعه: معارف، عاشورا، دعا، انتظار؛
- ۳) عناصر تمدنی شیعه: دولت‌ها، محصولات هنری و ادبی، مدارس و دانشگاهها، حوزه‌های علمیه؛
- ۴) عناصر مدیریتی (مفاهیم بنیادین) شیعه: ولایت (فقیه)، عدالت، عصمت، امر به معروف و نهی از منکر (جهاد)، تقیه؛
- ۵) سه بعد تفکر: راست مغزی، چپ‌مغزی، روح الهی یا فطرت؛
- ۶) خروجی‌های سه بعد: فرهنگ، تمدن، دین؛
- ۷) شاخص‌ها: کیفیت، کمیت، وحی؛
- ۸) پارامتر بعد سوم مستقل و پارامترهای دو بعد دیگر وابسته؛
- ۹) تبیین تحولات ادیان اسلام، مسیحیت، یهود براساس راست‌مغزی و چپ‌مغزی؛
- ۱۰) جایگاه جوامع مختلف در صفحه فرهنگ‌ها و تمدن‌ها؛
- ۱۱) جایگاه هر انسان در صفحه راست‌مغزی و چپ‌مغزی؛
- ۱۲) انسان کامل عامل توازن و همگرایی افراد و مدینه فاضله عامل همگرایی جوامع؛
- ۱۳) جوار حق تعالی نقطه همگرایی کلی سیستم؛
- ۱۴) قسمت منفی بعد سوم مسیر سقوط و انحطاط انسان‌ها و جوامع؛
- ۱۵) جهت مسیر انسان‌ها و جوامع در بعد سوم بی‌نهایت و در دو بعد دیگر خط توازن؛
- ۱۶) جهت مسیر تمدن (چپ‌مغزی) اقتدار و فرهنگ (راست مغزی) نفوذ؛
- ۱۷) انطباق مسیر تمدن و فرهنگ شیعی با عناصر مدیریتی؛
- ۱۸) آرمان شهر حکومت مهدی، عامل همگرایی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها؛

پرسشنامه نوع دوم (نمودار ۱۱ و ۱۲)

سؤال	سؤال الف	سؤال ب	سؤال ج	سؤال د	نمره کل
۱	۱۸	۲۰	۱۸	۱۹	۱۸/۸
۲	۱۸/۵	۱۹	۱۸/۵	۱۹	۱۸/۷۵
۳	۱۹	۱۹/۵	۱۹	۱۹/۵	۱۹/۲۵
۴	۱۸	۱۹	۱۹	۲۰	۱۸/۹۵
۵	۱۹	۲۰	۱۸	۲۰	۱۹/۲۵
۶	۱۹	۲۰	۱۸	۱۹	۱۹/۰۵
۷	۱۵	۱۸	۱۶	۱۷	۱۶/۵۵
۸	۱۴	۱۵	۱۴	۱۳	۱۴/۱
۹	۱۶	۱۹	۱۸	۱۸	۱۷/۸
۱۰	۱۸	۱۸	۱۷	۱۸	۱۷/۷۵
۱۱	۱۷	۱۸	۱۷	۱۸	۱۷/۵
۱۲	۲۰	۱۸	۱۹	۲۰	۱۹/۱۵
۱۳	۲۰	۱۹	۲۰	۱۹	۱۹/۵
۱۴	۱۸	۱۶	۱۹	۱۷	۱۷/۴۵
۱۵	۱۹	۲۰	۱۹	۲۰	۱۹/۵
وزن سئوالات	۲۵	۳۰	۲۵	۲۰	
تعداد	۱۵	۱۵	۱۵	۱۵	
حداکثر	۲۰	۲۰	۲۰	۲۰	
حداقل	۱۴	۱۵	۱۴	۱۳	
میانگین	۱۷/۹۰	۱۸/۵۷	۱۷/۹۷	۱۸/۴۳	۱۸/۲۲
انحراف معیار	۱/۷	۱/۵	۱/۵	۱/۸	

۱۹) استراتژی عدل نوین جهانی به عنوان دکترین حکومتی جهانی شیعه.

در نوع دوم نیز چهار مورد اصلی: الف) سیرمنطقی و استفاده درست از روش‌های تحقیق (ب) میزان نوآوری و تاثیر آن در شکوفائی و تولید علم (ج) انطباق با مفاهیم معرفت دینی (د) میزان کارآمدی در عرصه مطالعات فرهنگی، تمدنی و دینی» مورد بررسی و در انتها نظرات اصلاحی مورد استفاده قرار گرفت. پرسشنامه با نظر سه تن از اساتید خبره از نظر روایی مورد قبول و با آلفای کرونباخ ۰.۹۲۱۰. با پایایی بالا مورد تایید قرار گرفت. نتایج حاصل از نظرسنجی از خبرگان بوسیله نرم افزار آماری SPSS استخراج و با آزمونهای مقایسه میانگین ها و فریدمن مورد جمع بندی قرار گرفته و فرضیات مورد تایید و بر مبنای آن مدل نهایی ارائه گردید.

یافته‌های پژوهش

پرسشنامه نوع اول جدول زیر متغیرهای مورد نظر را به لحاظ آماری توصیف می‌نماید. در این جدول $H1$ مرتبط با فرضیه اول و $H2$ مربوط به فرضیه دوم می‌باشد.

ردیف	نام متغیر	سطح متوسط	میانگین	انحراف معیار	واریانس
۱	H1	۳	۴/۰۷	۰/۴۹۱	۰/۲۴۱
۲	H2	۳	۴/۱۶	۰/۳۷۹	۰/۱۴۳

همانطور که مشاهده می‌شود، این متغیرها نیز به لحاظ کمی آماره میانگین دارای سطح بالاتر از متوسط می‌باشند که نشان دهنده مثبت بودن نظر خبرگان پاسخگو به مدل‌ها می‌باشد.

نتیجه‌گیری

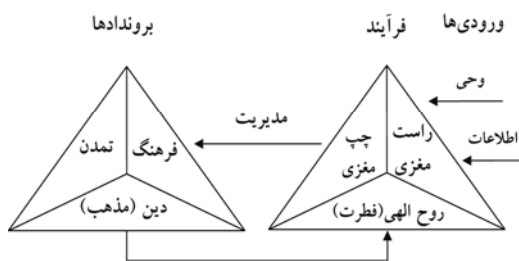
هر فرد یا جمعیت را با توجه به خصوصیات ژنتیکی و یا بوم‌شناختی در بخشی از خود جای می‌دهد. در مکتب اهل بیت همهٔ قسمتهای مربوط به این دو محور و نقاط فیما بین آنها با شدت و ضعف‌های متفاوت لحاظ شده و پوشش داده می‌شوند. هر فرد و یا جمعیت که به این مکتب متصف می‌گردد می‌تواند با توجه به خصوصیات خود نیازهای خود از مجموعه آنچه از سوی اهل بیت ارائه گردیده بدست آورده و نتیجه را با توجه به خصوصیات خود در قالب فرهنگ و تمدن با شدت و ضعف متفاوت ارائه کند. اما بعد سوم بعد خاص وحی و آن چیزی است که بنام علم لدنی برای پیامبران و امامان در نظر گرفته شده و خصوصیت ویژه ادیان الهی به طور عموم و مذهب شیعه به طور خصوص می‌باشد. ویژگیهایی همچون عدالت، عصمت، ولایت و امامت از خصوصیات این بعد می‌باشد و فلسفهٔ اصلی خلقت، حرکت انسان‌ها به صورت فردی و جمعی در راستای این محور است. آنچه در دو بعد اول و دوم و در صفحهٔ شامل آن وجود دارد مواردی است که انسان به عنوان یک موجود زنده با توانایی ویژه تفکر، جدا از موجودات زنده دیگر دارا است. علوم و دانش‌ها، هنر، شهرسازی و حتی فلسفه و دستاوردهای دیگر فرهنگی و تمدنی بشر در این صفحه و در حوزه این دو محور قابل پدید آمدن هستند. ریاضیات و گزاره‌های درست و نادرست نیز در همین مقوله می‌گنجد. به همین علت است که ما توسعهٔ این خصوصیات را به عنوان یک فضیلت و نه هدف از خلقت انسان می‌بینیم و می‌شناسیم. در واقع از نظر ادیان الهی علت اصلی بوجود آمدن انسان همین بعد سوم است که انسان‌هایی با هر نوع خصوصیت، هر میزان و هر شکل از تفکر و جوامعی با هر اندازه از پیچیدگی و سادگی فرهنگی و تمدنی برای حرکت در آن شرایطی مساوی دارند. یکی از مشکلات اساسی پیامبران نیز خرده گرفتن اشراف و متمدنین نسبت به

از آنجا که مهمترین تفاوت ادیان الهی با مکاتب مادی قائل بودن این ادیان به روح الهی دمیده شده در انسان‌ها و وظیفه هر فرد و جامعه در تربیت این روح و آماده کردن آن برای زندگی جاوید پس از مرگ است، پس از این نقطه نظر وجود انسان به دو جنبه جسمانی و روحانی تقسیم می‌شود که تنظیم ارتباط فیما بین آنها مهمترین دستاورد تعالیم آن بزرگان است. از سوی دیگر با توجه به تقسیم‌بندی خصوصیات ذهن انسان به راست‌مغزی و چپ‌مغزی و ورود این دو خصوصیت به معادله قبلی و جایگزینی آنها به جای جنبه جسمانی در حوزه تفکر و تصمیم‌گیری، این فرآیند وضعیتی سه بعدی پیدا می‌کند که با در نظر گرفتن اولویت رشد روح و ماندگاری آن از نظر این ادیان متغیر مربوط به آن متغیر اصلی و متغیرهای دو بعد دیگر متغیرهای وابسته خواهند بود. این موضوع در دیدگاه حکمت الهی ملاصدرا با این نظریه که انسان به وجود آمدنی جسمانی و مادی داشته اما بقاء و پایداری‌اش به صورت روحانی می‌باشد و وظیفه اصلی او به فعل رساندن خصوصیات بالقوه‌ی نهفته در وی می‌باشد، بیان شده است. به همین علت است که با حذف روح از صحنه وجود انسان (آنچنان که مادی‌گرایان تصور می‌کنند) وی تبدیل به یک ابر حیوان می‌شود که مغز او جهش تکاملی زیادی داشته و با این رشد در دو حوزه فرهنگ و تمدن (راست‌مغزی و چپ‌مغزی) از دیگر موجودات ویژه و برجسته شده است. بر این اساس به طور کلی مقولهٔ مدیریت از نقطه نظر تشیع دستگاهی سه بعدی را در برمی‌گیرد. یک محور یا یک بعد از این دستگاه خصوصیات چپ مغزانه شامل منطق، نظم، ساختار و توجه به اجزاء و بعد دوم خصوصیات راست مغزانه شامل خلاقیت، نوآوری، حرکت، عناصر عاطفی و کل‌گرایی را می‌پوشاند. این دو محور در یک صفحه تعریف شده و

انسان کامل این حرکت خود بخود بهینگی و همگرایی را به سوی خط میانه یا توازن در ابعاد اول و دوم ایجاد می‌کند. هر کس می‌تواند با حرکت در بعد سوم تواناییها و خصوصیات خود را در ابعاد اول و دوم به بهترین نحو شکوفا نماید و هر جامعه‌ای می‌تواند مجموعه توانایی‌ها را در بهترین سطح شکفته سازد. در دیدگاه شیعه حرکت در بعد سوم بر مبنای فطرت شکل گرفته و به همین علت استنتاج عقلی یا خردورزی که خصوصیت چپ مغزی می‌باشد و یا حتی درک شهودی که خصوصیت راست مغزی است در طول تاریخ در مقابل بحث ولایت و امامت جایگاهی نداشته و ملاک اصلی رشد قرار نمی‌گیرد. داستان حضرت موسی و خضر نیز در قرآن مجید گویای همین مطلب است. در واقع از نظر شیعه، مقصد اصلی امامان در حوزه مدیریتی انسان‌ها و جوامع انسانی، مدیریت حرکت در بعد سوم و برای رسیدن به جوار قرب ربوبی است. در چنین جامعه‌ای افراد و جوامع چپ مغز خروجی‌های تمدنی خود را با خروجی‌های فرهنگی افراد و جوامع راست مغز به تعامل و ترکیب گذاشته و به نتیجه‌ای مشترک و واحد دست می‌یابند. فرهنگ شیعه در چهار مقوله اصلی: علوم و معارف، دعا، عاشورا و انتظار مواردی را به عنوان انتظارات از پیروان خود تعریف کرده و با ارائه الگو یا امام براساس مدیریت بر مبنای انتظار، این انتظارات را به عنوان واقعیتی دست یافتنی نشان داده است. بر این اساس، نقطه اوج یا شکوفائی نهائی این انتظارات زمانی است که جامعه و فرد با نزدیک شدن عملی هر چه بیشتر به آنها شرایط را برای حضور کامل‌ترین فرد «امام مهدی (عج)» و ایجاد دولتی با این خصوصیات فراهم می‌کنند. این انتظارات در قالب ارزش‌های مطرح شده در جای جای فرهنگ شیعه و ضد ارزش‌های تعریف شده در آن شکل می‌گیرند و به مرور زمان جامعه را به سوی اهداف از پیش تعیین شده سوق می‌دهند. با انطباق منحنی عمر

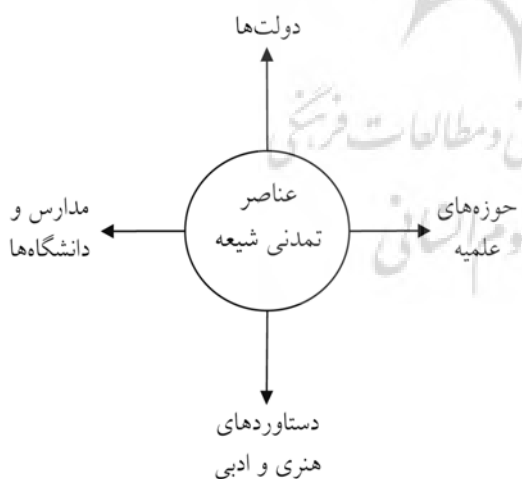
حضور افرادی با تفکری ابتدائی در کنار ایشان است. تقریباً هر پیامبری با بزرگان قوم خود به خاطر وجود افرادی که «اراذلنا بادی الرأی» یعنی افرادی با ذهن ضعیف، خوانده می‌شدند، درگیر بوده و شرط همراهی با آن پیامبر را دور کردن آنها از اطراف وی دانسته‌اند. قرآن مکرراً تکیه بر آن دارد که جوامعی پیچیده و پیشرفته در زمان خود از نظر تمدنی و فرهنگی به خاطر حرکت منفی در بعد سوم به سرعت نابود شده و از صحنه روزگار محو شده‌اند. مرکز ثقل سیستم از نظر ادیان الهی در بعد سوم قرار داشته و به همین دلیل بحث حرکت از کثرت به وحدت در روندی دائمی به سوی نقطه وحدت وجود برای همه آدمیان با همه خصوصیات، ویژگی‌ها، توانایی‌ها و امکانات فردی و گروهی به صورت یکسان لحاظ شده و ثمره‌ی آن مورد توجه نبوده بلکه اصل حرکت که در بسیاری موارد به عنوان عشق تعریف می‌شود در مقابل سکون و ماندن در صفحه دو بعد اول و دوم لحاظ گردیده‌اند. این مرکز ثقل در جوامع مادی در صفحه ابعاد اول و دوم تعریف شده، و در نتیجه حرکت، هر چند با پیچیدگی‌های بسیار، مسیری در صفحه همان دو بعد دارد. در نتیجه ارزش گذاری‌ها بر اساس خصوصیات شخصی، شخصیتی، فرهنگی و تمدنی و قومی انجام می‌گیرد. مواردی که از نظر اسلام و ادیان الهی و بویژه شیعه هیچ جایگاه خاصی برای برتری دادن ندارد. ملاک برتری انسانها تقوی است که به خاطر آن انسانها از قید و بندهای دو بعد اول و دوم به عنوان هدف آزاد شده و می‌توانند به سوی بعد سوم، نقطه همگرایی عالم «جوار قرب ربوبی» به صورت انفرادی و یا جمعی حرکت کنند. از این رو است که انسانهایی با اندیشه ساده می‌توانند خود را از قید و بندهای زمان و مکان آزاد کرده و به درجات بالایی از انسانیت دست یابند. از آنجا که کل خلقت در یک دستگاه سیستمی متصل بهم و مرتبط با یکدیگر شکل گرفته با ارائه الگو یا همان

نمودار (۱)



(۲) با توجه به تعاریف راست مغزی و چپ مغزی و فرهنگ و تمدن، می توان فرهنگ را نتیجه راست مغزی و تمدن را حاصل چپ مغزی انسانها و در نتیجه دستاورد تاریخی جوامع راست مغز را بیشتر فرهنگی و حاصل فعالیت جوامع چپ مغز را بیشتر تمدنی دانست. فرهنگ جوامع چپ مغز حاصل و نتیجه تمدن آنها و تمدن جوامع راست مغز حاصل و نتیجه فرهنگ آنهاست. بر این اساس در جوامع راست مغز تغییر در فرهنگ تغییر در تمدن $\Delta y \rightarrow \Delta x$ و در جوامع چپ مغز تغییر در تمدن تغییر در فرهنگ $\Delta x \rightarrow \Delta y$ را در پی خواهد داشت.

نمودار (۲)



در جوامع راست مغز، دستاوردهای انسان بیشتر جنبه نظری، فرهنگی و عرفانی داشته، روش‌های مدیریتی معمولاً مبتنی بر رهبری^۴ و کاریزما می باشد. حرکت مجموعه، حرکت یک سیستم پیوسته، بر مبنای

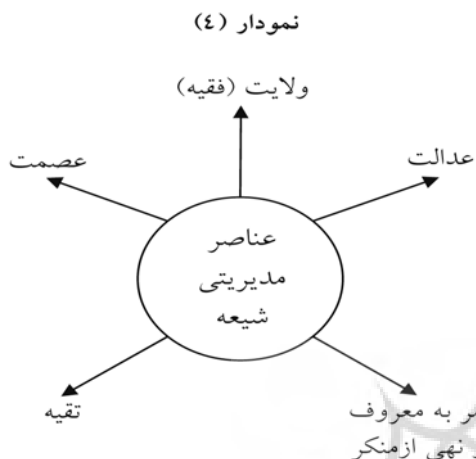
سازمان‌ها و منحنی عمر تمدن‌ها مشاهده می کنیم که جمعیت شیعه با تعریف تکامل خود در شکوفایی نهایی این انتظارات، مسير دوره عمر خود را شروع و پس از گذر از مراحل ایجاد و طفولیت در دولت‌های مختلف به مراحل رشد سریع و بلوغ در جمهوری اسلامی ایران رسیده است. چشم انداز چنین دولتی در نقطه اوج شکوفایی انتظارات، در دیدگاه مذهب شیعه با «دولت مهدی (عج)» ترسیم شده است. بر این اساس مدل نهایی ما ترکیبی از عناصر فرهنگ (هنجاری) و عناصر تمدنی (عینی) است که آمیزشی از هنجارها یا ارزش‌ها و واقعیات است این ترکیب بطور قطع نه ترکیبی کاملاً هنجاری و نه کاملاً عینی بلکه نمونه‌ای آرمانی از ذهنیت و عینیت می باشد. ذهنیت ناظر به عناصر ارزشی و فرهنگی و عینیت ناظر به عناصر تمدنی است و طبیعتاً ناگزیر نگاه ارزشی ما در انتخاب آنها موثر بوده است. البته در تحقیقی تفصیلی تر باید واقعیات تمدنی ملهم از ارزش‌های فرهنگی جهان تشیع را از واقعیات تمدنی ملهم از ارزش‌های فرهنگی غیر آن جدا کرد.

دستاوردها

بررسی یافته‌های پژوهش نشان می دهد که:

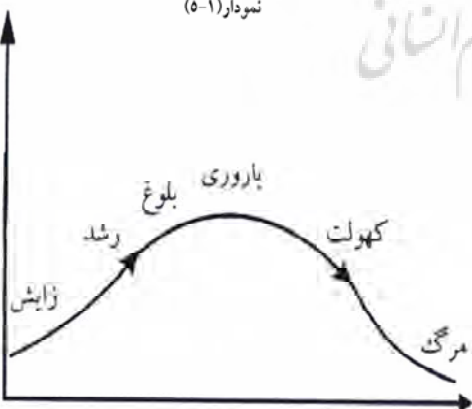
(۱) چنانچه انسان را به عنوان سیستم در این تحقیق در نظر بگیریم، «اطلاعات و وحی» به عنوان ورودی‌ها، فعالیت انسان در سه بعد «راست مغزی (مفهوم)، چپ مغزی (ساختار و شکل) و روح الهی (فطرت)» به عنوان فرآیند و «فرهنگ، تمدن و دین الهی (مذهب)» به عنوان خروجی‌ها تعریف و بازخور مربوطه به عنوان تاثیر متقابل جامعه و فرد لحاظ می شوند. چنانچه این روند بر اساس تعادل بین عناصر سیستم مدیریت نشوند، این سیکل به صورت یکسویه عمل کرده و حاصل آن پس از دوره‌های متوالی با توسعه یک جانبه یکی و تضعیف و یا حتی نابودی دو عنصر دیگر مواجه خواهد شد. (نمودار ۱)

راست مغز (شرقی) به وقوع پیوسته، از لحاظ فرهنگی رشد بیشتری داشته و از نظر منحنی عمر تمدن در دوره بلوغ به سر برده و تکامل فرهنگ و تمدن خود را در حکومت جهانی مهدی (عج) جستجو می‌کند. (نمودار ۵)



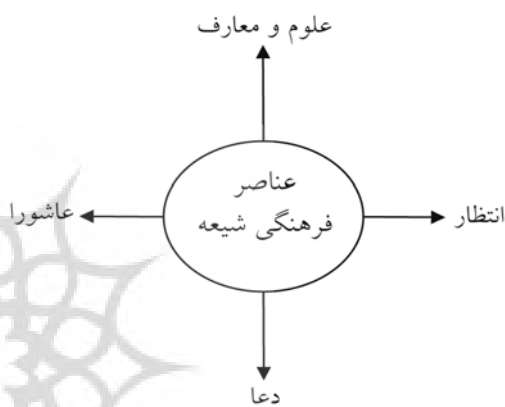
۴) فکرو وجود انسان در ادیان الهی و بویژه مذهب شیعه، در این مدل که دارای وجه ترکیبی **هنجاری - عینی** می‌باشد، در سه بعد «عملگرایی یا همان چپ مغزی»، «آرمان گرایی یا راست مغزی» و «روح الهی یا فطرت» شکل می‌گیرد و بر این اساس، نتایج آنها شامل «تمدن، فرهنگ و دین» می‌باشد. مقیاس مربوط به این سه محور، به ترتیب «کمیت، کیفیت و وحی» می‌باشند. (نمودار ۶)

نمودار (۵-۱)



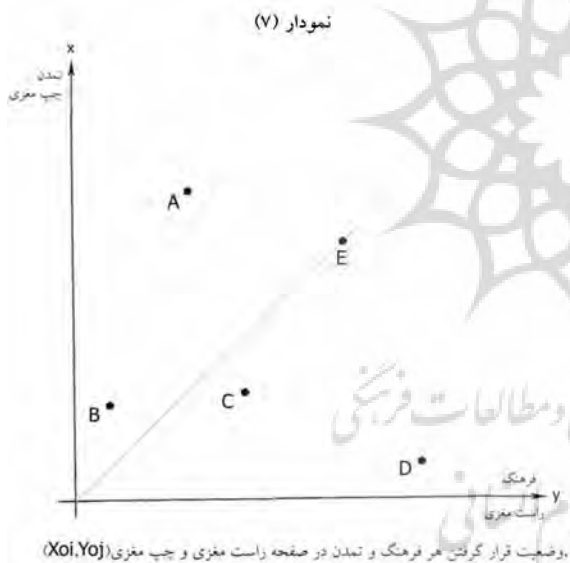
مرکز ثقل^۵ و کارآمدی براساس نفوذ است. حال آنکه در جوامع چپ مغز، این دستاوردها بیشتر رویکرد عملی، تمدنی و عقلانی داشته، مدیریت مبتنی بر ساختار^۱ و قانون می‌باشد. حرکت بر مبنای دموکراسی یا حاصل جمع حرکت اجزاء و کارآمدی براساس قدرت است و البته این به معنای نفی خصوصیت دیگر در هیچ یک نیست، بلکه گویای جنبه غالب در هر جامعه با حفظ خصوصیت دیگر می‌باشد.

نمودار (۳)



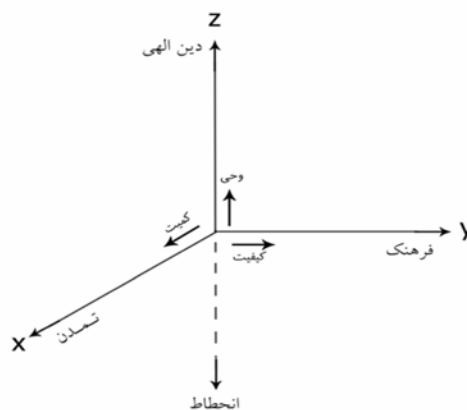
۳) با مطالعه پراکندگی جمعیتی، تنوع اقلیمی و نژادی، دولتها، علوم و دانش‌ها، ادبیات، هنر و معماری، آداب و رسوم و... می‌توان به این نتیجه رسید که شیعه دارای ویژگیهای فرهنگی و تمدنی خاص خود بوده و با حفظ عناصر مشترک با دیگر مذاهب، هویت جمعی ویژه خود را در طی تاریخ حیات، حفظ و توسعه داده است. عناصر خاص فرهنگی آنرا می‌توان «علوم و معارف، عاشورا، دعا و انتظار» (نمودار ۲)، عناصر تمدنی را «دولت‌ها، دستاوردهای هنری و ادبی، مدارس و دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه» (نمودار ۳) و عناصر مدیریتی (مفاهیم بنیادین) آنرا «ولایت (فقیه)، عدالت، عصمت، امر به معروف و نهی از منکر (جهاد) و تقیه» (نمودار ۴) برشمرد. عناصر مدیریتی مذکور، با وجود داشتن ماهیت فرهنگی، کارکردی تمدن ساز دارند. از آنجا که حیات این مذهب بیشتر در جوامع

همگرایی مطلق بسوی بی‌نهایت در محور Z می‌باشد. نقطه همگرایی در این محور، نقطه تعادل اساسی عالم یعنی جوار خداوند متعال است که تمامی موجودات به سوی آن در حرکتند. این حرکت در نزد عرفا «عشق» و نزد فلاسفه «حرکت از کثرت به وحدت» پس از «حرکت از وحدت به کثرت»، و کل این جریان «وحدت وجود» خوانده می‌شود. در نزد کسانی که بعد سوم را باور ندارند، نقطه تعادل یا مرکز ثقل سیستم در صفحه XY تعریف و حرکت در همان صفحه محدود می‌ماند. براساس این دیدگاه، شیطان دائماً در تلاش برای شکل دادن نقاط تعادل مجازی و غیر واقعی (باطل) در جهت منفی محور Z برای به اشتباه انداختن انسان‌ها و سقوط آنها با استفاده از نیروی درونی خودشان (فطرت) می‌باشد. (نمودار ۱۰ و ۹)



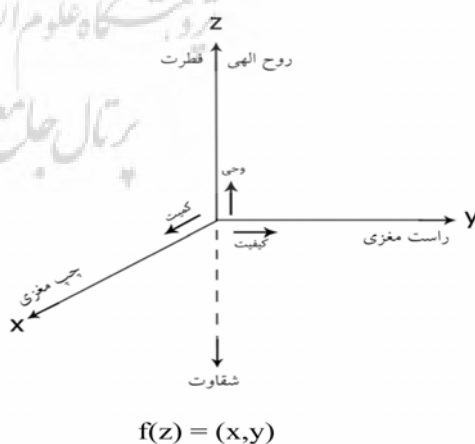
(۷) بر مبنای دیدگاه این مذهب، متغیر مربوط به بعد سوم، به عنوان متغیر مستقل و متغیرهای دو بعد دیگر به عنوان متغیرهای وابسته عمل می‌کنند. به همین دلیل ارزش‌گذاری، بر اساس تغییرات در بعد سوم صورت می‌گیرد $f(z) = (x, y)$. بازه تغییرات در بعد سوم، مثبت و منفی بی‌نهایت، کمال مطلق و یا سقوط جاودانه می‌باشد. دگرگونی شخصیتی، بر مبنای

نمودار (۱-۶)



(۵) این مذهب قابلیت پوشاندن هر دو نوع نیاز چپ‌مغزی و راست‌مغزی (تمدنی و فرهنگی) را داشته و هر کدام از افراد و جوامع مختلف با توجه به خصوصیات خود از آن بهره برده و ثمرات خود را در طول تاریخ به جای گذاشته‌اند. به همین علت می‌تواند در عرصه جهانی نیازهای انسان‌ها را برآورده و با ارائه الگو (انسان کامل یا مدینه فاضله، نقطه E) در صفحه XY فرهنگ‌ها و تمدن‌ها را (نقاط A, B, C) با ایجاد توازن بین آنها به سوی تعادل (خط $y=x$) همگرا و این همه را در جهت محور سوم یعنی مدیریت بر مبنای ولایت به حرکت درآورد. (نمودار ۸ و ۷)

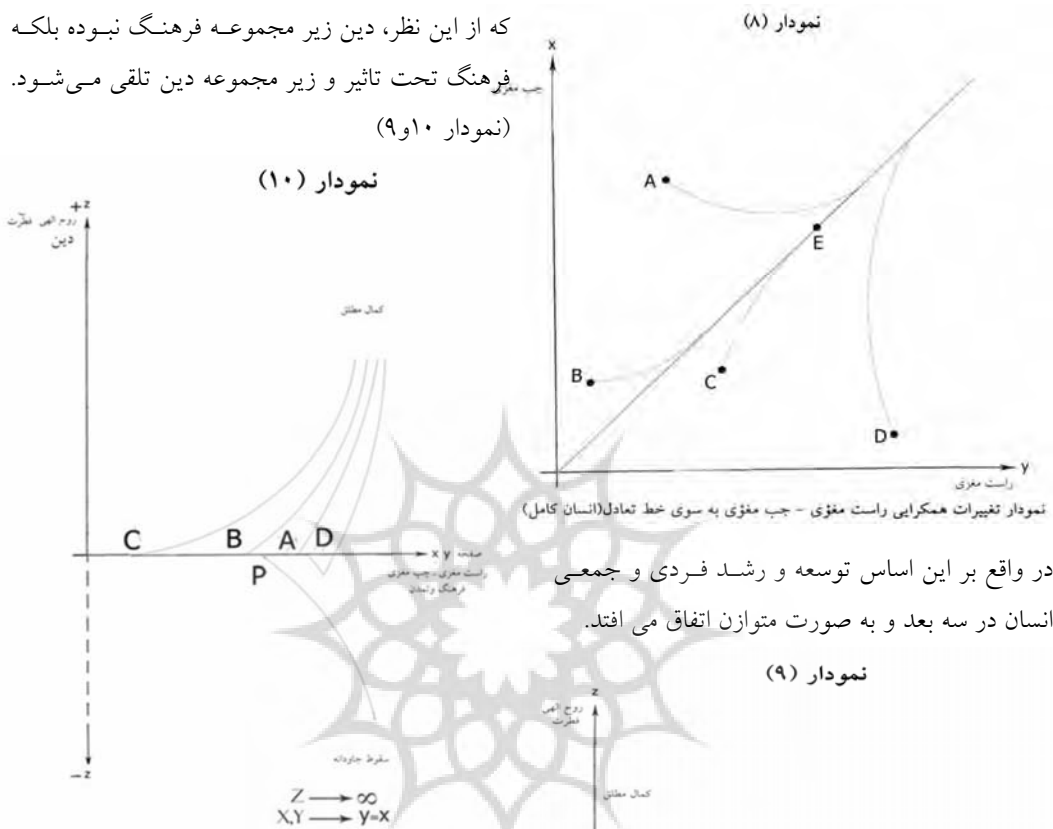
نمودار (۲-۶)



(۶) نقش مدیریت در این دستگاه «هدایت» افراد و مجموعه‌ها از جایگاه طبیعی خود در صفحه XY با

ابداعی انسان همچون هوش (منطقی و عاطفی) خلاقیت، ادراک فضایی و کلامی، قانون و... می‌باشند. ملاک اصلی رشد، سعادت و سلامت انسان، تکامل بعد سوم یا همان روح الهی وی است. به همین علت است که از این نظر، دین زیر مجموعه فرهنگ نبوده بلکه فرهنگ تحت تاثیر و زیر مجموعه دین تلقی می‌شود. (نمودار ۹ و ۱۰)

وارستگی هر چه بیشتر از تمامی وابستگیها $(X, Y) \rightarrow 0$ در عین شکوفایی هر چه بیشتر تمامی استعدادها در هر سه بعد رخ می‌دهد. Z به سمت مثبت بینهایت و X و Y به سمت توازن یعنی خط $X=Y$ میل می‌کنند.



در واقع بر این اساس توسعه و رشد فردی و جمعی انسان در سه بعد و به صورت متوازن اتفاق می‌افتد.

دستاوردهای جانبی

۱) بر اساس این مدل، برای تجزیه و تحلیل یک پدیده یا یک نقطه در فضای این دستگاه سه بعدی، بایستی از هر محور، با توجه به مشخصات و خصوصیات آن، نسبت به موضوع تجزیه و تحلیل خاص صورت گرفته و در یک دستگاه ترکیبی، نتیجه نهایی به دست آید. (شاید بتوان نوعی از جدول سیمپلکس را طراحی کرد که برای هر بعد با خصوصیات خاص آن عمل و تابع کلی را به سمت نقطه ایتیم حرکت دهد.) (نمودار ۶)

X و Y و Z نیز خود توابعی از چند پارامتر هستند. این پارامترها در محور Z شامل عصمت، عدالت و ولایت و در دو محور دیگر، خصوصیات تاثیر گذار طبیعی و یا

جدول راست‌مغزی - چپ‌مغزی

موضوع	راست‌مغزی	چپ‌مغزی
روان‌شناسی	برون‌گرایی - گرایش به رنگهای گرم و شاد و روشن (خانواده رنگهای قرمز) - احساس‌گرایی (عاطفی) - تفکر پیوسته و خلاق - خونگرم - نظم‌گریز و آشوبگر - کنترل از بیرون - نگرش کلی - جامعه‌ستیزی - سبکل تغییرات رفتاری ثابت - تکیه بر شنوایی - دوره نوجوانی رفتاری سنیوسی - تکیه بر بینایی -	درون‌گرایی - گرایش به رنگهای سرد و تیره (خانواده رنگهای آبی) - خردگرایی - تفکر گسسته و منظم - خونسرد - نظم‌پذیر و نظم‌آفرین - کنترل از درون - نگرش جزئی - جامعه‌پذیری - سبکل تغییرات رفتاری ثابت - تکیه بر شنوایی - دوره نوجوانی در آرامش نسبی.
علوم اجتماعی	گرایش به فرهنگ - نگرش به جامعه به عنوان یک کل به هم پیوسته (تعریف ملت) - علاقه به حرکت‌های اجتماعی و دگرگونی (انقلاب) - ایجاد نهاد اجتماعی واحد متکی بر رهبری واحد (تعریف امت) - علاقه به پیوند بین مشاغل و حرفه‌ها و توجه به نقطه تعادل مشخص و تعریف شده -	علاقه و گرایش به تمدن و قانون - نگرش به اجتماع و حرکت تاریخی آن به صورت گسسته (توجه به شخصیت‌ها، قهرمانان و قلل تاریخی منفرد) - علاقه به نظم اجتماعی - ایجاد نهادهای اجتماعی سیستماتیک و مدرن - علاقه به تفکیک مشاغل و طبقه‌بندی حرفه‌ها - نگرش هرمنوتیکی به جامعه: توجه به متن -
فلسفه	علاقه به منطق شهودی - گرایش به شیوه فلسفی اشراقی - تمایل به اختیار - استفاده از قیاس	استفاده از منطق ارسطویی و ریاضی - گرایش به شیوه فلسفی مشائی - تمایل به جبر - استفاده از استقراء
عرفان	تمایل به عرفان بی‌شکل و قاعده (تصوف) - معتقد به روش مرید و مرادی - حرکت از کثرت به وحدت (تمرکزگرایی) - پیرو می و میکده (زبان اشاره) - گرایش به عرفان نظری	تمایل به عرفان ساختارگرفته و شکل‌یافته (اخلاق) - معتقد به مراحل سیر و سلوک - حرکت از وحدت به کثرت (تکثرگرایی) - اخباری‌گری و عرفان عملی - زهد و گوشه‌نشینی
آموزش و پرورش	یادگیری از کل به جزء - کار گروهی - شیوه آموزش استاد شاگردی - یادگیری دیداری - حافظه شکلی - ذهن منظومه‌ای و پیوسته - پیشرفت در رشته‌های علوم انسانی	یادگیری از جزء به کل - کار فردی - شیوه آموزشی کلاسی - یادگیری شنیداری - حافظه اسمی - ذهن فرمولی و گسسته - پیشرفت در رشته‌های مهندسی و پزشکی
مهندسی	منطق فازی - ادراک شهودی - تخصص‌های عام - تکیه بر هندسه و زیرمجموعه‌های آن	منطق دودویی، یا صفر و یک - ادراک فرمولی - توجه به تخصص‌های خاص - تکیه بر جبر و زیرمجموعه‌های آن
ادبیات	توجه به شعر نو و عواطف شاعری - استفاده از دکلمه - تأکید بر تأثیر جمله و دخالت آن و جملات به صورت پیوسته - علاقه‌مند به ترکیب و روش‌های تحلیلی - آرمان‌گرایی	توجه به نظم و شعر کلاسیک - استفاده از نثر مسجع - توجه به تأثیر کلمات و ترتیب چیدن آنها (جملات به صورت گسسته) - علاقه‌مند به تجزیه و روش‌های تجزیه‌ای - واقع‌گرایی
هنر نقاشی	طرح‌های مبهم - خطوط منحنی - استفاده از سایه - سیاه - قلم - رنگ روغن - استفاده از رنگهای شاد و روشن	طرح‌های واضح و مشخص - خطوط شکسته و صاف - هاشور - طراحی - آبرنگ - استفاده از رنگهای سرد و تیره
خطاطی	خطوط پیوسته و منحنی - حروف و کلمات ترکیبی و پیوسته - نوشتار از راست به چپ - آدرس از کل به جزء	خطوط صاف و شکسته - حروف و کلمات جدا و گسسته - نوشتار از چپ به راست - آدرس از جزء به کل
معماری	اشکال منحنی (گنبد، هلال و...) - استفاده از حجم‌های فاقد گوشه (دایره، بیضی، کره و...) - مرز حجمها مبهم و به صورت انحنا - نما: قطعات یکپارچه و شکلهای کامل شده به هم پیوسته	اشکال چندضلعی (مکعب، مستطیل و...) - استفاده از حجم‌های گوشه‌دار - مرز حجمها واضح و روشن - نما: قطعات زیاد و جدا از هم و اشکال مشبک و تکراری
مدیریت	تئوری Y - رهبری (کاریماتیک) - تفکر سیستمی - مدیریت از پایین به بالا - استراتژی کارسالار و سازگاری - مکتب پست مدرن.	تئوری X - مدیریت - برنامه‌ریزی خطی - مدیریت از بالا به پایین - استراتژی کنترلی - مکاتب کلاسیک، نئوکلاسیک و مدرن..

سازماندهی و نتیجه‌گیری از هیجان‌ها) تعریف شده است. به طور کلی دعا نقش بسیار عاطفی و تعیین کننده‌ای برای تعادل و همگرایی نیروها در فرهنگ شیعه دارد. فرهنگ شیعه مشحون از دعا و نماز و راز و نیاز، در همه حالات از مسجد گرفته تا میدان جنگ با ادبیاتی مبتنی بر خواسته‌های فطری می‌باشد.

۷) عنصر انتظار ضامن حیات، پویایی و رشد این مجموعه بوده آینده‌ای بزرگ و مشترک با تمامی مردم جهان بر مبنای صلح با وجود عدالت و احقاق حقوق همه‌ی انسان‌ها بر اساس آنچه خداوند مقرر فرموده در پیش رو قرار داده است. مراحل رسیدن به آن را تبیین و تدوین و استراتژی آینده جهانی آنها را به عنوان استراتژی عدل نوین جهانی یعنی همان مهدویت که پیشینه‌ای طولانی در تمامی ادیان الهی دارد به صورت سند چشم انداز در پیش روی آنها گذاشته است. مراحل تدریجی رشد جامعه شیعی نشانگر آن است که این جامعه براساس «مدیریت بر مبنای انتظار» مرحله به مرحله هویت خود را بر اساس آموزه‌های فرهنگی و تمدنی خویش شکل داده و هر چند با خصوصیات طبیعی خود در هر موقعیت جغرافیایی، رنگ بومی به آن بخشیده، اما دائماً مسیر رو به جلو برای رسیدن به چشم انداز، یعنی همان دولت جهانی مهدی (عج) را طی نموده است. مراحل ایجاد دولت‌های شیعی و جریانات مردمی در میان جمعیت‌های شیعه، علی‌الخصوص ایران که نهضت تنباکو - مشروطه - قیام ملی شدن صنعت نفت - قیام ۱۵ خرداد و انقلاب اسلامی ایران را در بر می‌گیرد نمایانگر این موضوع است.

پیشنهادات

حوزه‌ی علمیه به غیر از مقوله‌ی بعد سوم، یعنی تربیت روحی و معنوی که متکی بر تقوا و معارف الهی است، از لحاظ روش‌های آموزشی، بیشتر بومی و بر

۲) بر اساس این نظریه، جوامع و افراد با داشتن فرهنگ‌ها و تمدن‌های مختلف می‌توانند به همزیستی مسالمت‌آمیز در کنار هم بپردازند و نیروی خود را صرف حرکت جمعی به سوی رشد و تحول در بعد سوم کنند. بعدی که مشترک همه انسان‌ها بوده و زمینه آن، روح الهی نهاده شده در همه آنهاست. این حرکت نه تنها درگیری در ابعاد اول و دوم را در پی نخواهد داشت، که با توجه به هدف مشترک، نیروها و توانایی‌های فرهنگی و تمدنی آنها را به تکمیل یکدیگر و می‌دارد. تکاملی که در سایه صلح، پاکی و عدالت و با قرار گرفتن هر مجموعه و فرد در جایگاه طبیعی و درست خود شکل می‌گیرد.

۳) به نظر می‌رسد بر مبنای این نظریه می‌توان تعریفی جدید از مدیریت فرهنگی ارائه کرد که برآن اساس «مدیریت فرهنگی در جوامع راست مغز، رهبری جامعه در حرکت از فضای فرهنگ برای رسیدن به تمدن مبتنی بر آن و در جوامع چپ مغز مدیریت جامعه در حرکت از ساختار تمدنی برای رسیدن به فرهنگ مبتنی بر آن می‌باشد.»

۴) اجتهاد مکانیزمی است که به وسیله آن جامعه شیعه به عنوان یک سیستم، توانایی تغییر و انطباق پذیری از سازگاری کامل یعنی تقیه، درگیری یعنی امر به معروف و نهی از منکر و مبارزه کامل یعنی جهاد را پیدا می‌کند.

۵) عنصر عاشورا عصری است که در طی ۱۴ قرن گذشته پیوسته روحیه‌ی تلاش و جهاد و مبارزه را در کالبد این سیستم دمیده، به عنوان تعیین کننده ترین عنصر در معادلات سیاسی و اجتماعی نقش اساسی داشته است.

۶) دعا به عنوان یک فرایند کارکردی برای جهت دادن پتانسیل‌های نهفته فردی و اجتماعی و رسیدن آنها به نقطه همگرایی سیستم (جوارحق تعالی) در اوج انگیزش و هیجان (ایجاد و جهت دادن انگیزه‌ها و

- ۴) حبیبی محمد-۱۳۷۸- خصائص مدیران فرهنگی - بی نا
- ۵) دهخدا علی اکبر باهمکاری محمد معین و سیدجعفر شهیدی-۱۳۷۳- لغت نامه
- ۶) رضائیان علی-۱۳۷۹- مبانی مدیریت رفتار سازمانی - سمت - تهران
- ۷) زرین کوب عبدالحسین - ۱۳۸۲- تاریخ مردم ایران - امیرکبیر
- ۸) فیروزآبادی-۱۹۱۳- القاموس المحيط- قاهره
- ۹) کرامبی آبر نیکیلاس و... - ۱۳۷۰ - فرهنگ جامعه شناسی - ترجمه حسن پویان- چاپخش
- ۱۰) لین پل استانلی و.. -۱۳۶۳- تاریخ دولتهای اسلامی و خاندانهای حکومتگر- مترجم سجادی - تاریخ ایران
- ۱۱) مسعودی-۱۳۴۴- اثبات الوصیه - تهران
- ۱۲) منوریان عباس-۱۳۷۹- مدیریت بر مبنای انتظارات - مجله اقتصاد مدیریت - ش ۵
- ۱۳) مولانا حمید - بهمن واسفند ۱۳۸۵- مقاله دین و مذهب اسلام و بویژه شیعه ، نقطه اول مهندسی فرهنگی - ماهنامه مهندسی فرهنگی - شماره ۷۰۶
- ۱۴) نو بختی حسن بن موسی - ۱۳۶۱- فرق الشیعه - ترجمه و تحقیق محمد جواد مشکور - علمی و فرهنگی

۱۵) ولایتی علی اکبر - ۱۳۸۴- پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران - مرکز اسناد و خدمات پژوهشی

یادداشت‌ها

1. Right brain- left brain
2. Management by Expectations
3. Geometry
4. leadership
5. leader
6. management

منابع و مأخذ

- ۱) تهانوی- ۱۹۸۸ - موسوعه کشف اصطلاحات الفنون و العلوم، واژه هندسه
- ۲) جان بی ناس- ۱۳۷۵- تاریخ جامع ادیان - ترجمه علی اصغر حکمت - علمی و فرهنگی
- ۳) جعفریان رسول-۱۳۷۸- صفویه از ظهور تا زوال - کانون اندیشه جوان